

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه هرمزگان

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی بازنمایی کار کودکان در آثار ادبیات داستانی کودک و نوجوان زبان فارسی

(۱۳۵۷-۱۳۹۰)

استاد راهنما:

فرامرز خجسته

استاد مشاور:

عاطفه جمالی

نگارش:

مریم زبیدی

شهریورماه ۱۳۹۳

چکیده

در جوامع ابتدایی کودکان با داشتن حداقل بنیه‌ی بدنی مورد نیاز، وارد دنیای کار می‌شدند و فرزند آدمی ناچار به تجربه‌ی دوره‌های متعدد فرهنگی و اجتماعی نبوده است. اما دنیای صنعتی کار در چند قرن اخیر، حضور متخصصانی آگاه را می‌طلبد. در چنین فضایی کودکان در جایگاه نیروهای کار آینده قرار می‌گیرند و از تلاش برای آموزش و آماده‌سازی تدریجی آنان سخن به میان می‌آید. زمان بر بودن چنین تعلیماتی موجب پیدایش دوران کودکی گردید. دوره‌ای که به واسطه‌ی آن فرصت لازم برای روند مذکور ایجاد می‌شد. طبیعی است در پی توجه به دوران کودکی قواعدی نیز از سوی متخصصان این حوزه در ارتباط با تولید امکانات ایده‌ال صورت بگیرد و هرآنچه که سبب پایین آوردن کیفیت دوران کودکی گردد به عنوان تجاوز به این دوران مدنظر قرار بگیرد. اشتغال کودکان از جمله‌ی این موارد است. تلاش‌های متعدد برای حذف و کمرنگ‌سازی این پدیده در سطح ملی و بین‌المللی همچنان بی‌نتیجه مانده است. در این میان نویسندگان حوزه‌ی کودک و نوجوان نیز با انتخاب آگاهانه‌ی مضمون کودکان کار و خیابانی به عنوان محور داستان‌های خود می‌توانند نقشی به‌سزا در برانگیختن حساسیت عمومی نسبت به این پدیده داشته باشند. در این پژوهش سعی بر آن است تا با واکاوی داستان‌های واقع‌گرای نوجوان چند دهه‌ی اخیر میزان توجه به کودکان کار و خیابانی و الگوهای متفاوت ارائه شده در این راستا توسط نویسندگان بررسی شود.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که توجه به پدیده‌ی کودکان کار در آثار کودک و نوجوان بیشتر متأثر از مواردی چون حال و هوای سیاسی- اجتماعی همزمان با نگارش اثر، نوع نگرش نویسنده و میزان توجه او به این پدیده است. بعلاوه تجربیات شخصی خالق اثر از کار در دوران کودکی در میزان پرداخت او به این پدیده بی‌تأثیر نیست و فقر سه دلیل متفاوت- به عنوان تأثیرگذارترین عامل در ایجاد کار کودکان بازنمود شده است.

کلمات کلیدی: کار کودکان، ادبیات داستانی کودک و نوجوان فارسی، بازنمایی.

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول
۱.....	کلیات
۲.....	۱-مقدمه
۳.....	۱-۱- هدف از انجام تحقیق
۳.....	۲-۱- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق
۳.....	۳-۱- سؤالات و فرضیات تحقیق
۴.....	۴-۱- مروری بر پیشینه تحقیق
۵.....	۵-۱- روش پژوهش و تکنیک‌های اجرایی
۸.....	فصل دوم
۸.....	دنیای کودکی و کار کودکان
۹.....	۱-۲- دنیای کودکی
۱۵.....	۲-۱-۱-۱- الگوهای عام در باب چیستی کودک
۲۰.....	۲-۱-۲- کودک و دوران کودکی به مثابه‌ی موضوع جامعه‌شناختی
۲۲.....	۲-۲- کار کودکان
۲۳.....	۲-۲-۱- تعریفی موجز از کار
۲۴.....	۲-۲-۲- برخی از ویژگی‌های کار در دوران سرمایه‌داری
۲۴.....	۲-۲-۳- تعریف کار کودک
۲۶.....	۲-۲-۴- استثمار و کودک
۳۱.....	۲-۲-۵- کار کودک همراه با صنعتی شدن جوامع و رشد سرمایه‌داری

- ۳۳ ۲-۲-۶- کار کودک در دوره‌ی پیش‌سرمایه‌داری
- ۳۵ ۲-۲-۷- کار کودک در جوامع دهقانی معاصر
- ۳۷ ۲-۲-۸- کار خانگی
- ۳۹ ۲-۲-۹- قوانین تصویب شده در راستای حفظ حقوق کودک کار
- ۴۴ فصل سوم
- ۴۴ ادبیات کودک و نوجوان
- ۴۵ ۳-۱- پیش‌درآمدی کوتاه بر ادبیات کودک و نوجوان
- ۴۶ ۳-۱-۲- پیدایش ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران با نگاهی به داستان‌های واقع‌گرا
- ۵۳ فصل چهارم
- ۵۳ ۴-۱- تحلیل داستان‌ها
- ۵۴ ۴-۱- عوامل موثر در کار کودک
- ۵۵ ۴-۱-۱- فقر
- ۵۹ ۴-۱-۲- ناتوانی و فوت سرپرستان خانوار یا مکفی نبودن درآمد آنان
- ۶۲ ۴-۱-۳- اعتیاد والدین یا سرپرست
- ۶۳ ۴-۱-۴- تأمین هزینه‌های تحصیل
- ۶۶ ۴-۱-۵- بدیهی انگاشتن کار کودک به سبب فضای روستایی و سنتی
- ۷۰ ۴-۲-۶- علاقه‌ی درونی کودک به کار
- ۷۳ ۴-۲-۷- کودکان خیابانی و بی‌سرپرست
- ۷۹ ۴-۲-۸- به کار گماشتن کودک به منظور اصلاح و سر به راه شدن
- ۸۰ ۴-۲-۹- عدم امکان ادامه تحصیل
- ۸۰ ۴-۲-۱۰- سن و سال کودک کار
- ۸۱ ۴-۳- جنسیت کودک کار چیست و آیا جنسیت در نوع کار واگذار شده به او اثرگذار است؟
- ۸۳ ۴-۴- آیا کودک کار در ازای کار انجام شده دستمزدی دریافت می‌کند یا خیر؟

۸۶ ۴-۶- آسیب‌های وارد شده بر کودکِ کار
۹۳ ۴-۷- احساسات کودک کار و درونیات او
۱۰۴ فصل پنجم
۱۰۴ نتیجه‌گیری
۱۱۴ فهرست منابع فارسی
۱۲۱ فهرست منابع لاتین
۱۲۲ چکیده لاتین

فهرست جداول:

۹۸ ۴-۱- فهرست آثار بررسی شده‌ی دهه‌ی پنجاه

۹۹ ۴-۲- فهرست آثار بررسی شده‌ی دهه شصت

۱۰۰ ۴-۳- فهرست آثار بررسی شده‌ی دهه هفتاد

۱۰۱ ۴-۴- فهرست آثار بررسی شده‌ی دهه هشتاد

۱۰۱-۱۰۴ ۴-۵- جدول‌های سن و سال کودکان کار

فصل اول

کلیات

ادبیات کودک و نوجوان ایران در آغاز با اقتباس و بازنویسی از متون کلاسیک آغاز می‌شود و پس از طی رویکرد غالب آموزشی و تعلیم‌گرا همراه با تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران پس از مشروطه به سمت ادبیات تخیلی واقع‌گرا میل می‌کند. داستان‌های واقع‌گرای معاصر کودک و نوجوان به دلیل ویژگی‌های خاص خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. یکی از بزرگ‌ترین ارزش‌های داستان واقع‌گرا برای کودکان این است که بسیاری از آن‌ها به کودکان این امکان را می‌دهند تا با شخصیت‌هایی به سن و سال خودشان و با خواسته‌ها و دشواری‌هایی همانند، همذات‌پنداری کنند. شخصیت‌های چنین داستان‌هایی می‌توانند برای کودکان کاملاً ملموس و از جنس خودشان باشند. (نورتون، ۱۳۸۲: ۳۹۰)

در این بین پدیده‌ی کار کودکان و کودکان کارگر نیز از جمله‌ی مسائلی است که در داستان‌های واقع‌گرای کودکان و نوجوانان مورد اشاره قرار گرفته است. داستان با موضوعیت و محوریت کار کودک و نوجوان که در آن، ممکن است اشتغال به کار کودک از جانب نویسنده، به مثابه‌ی تجربه‌ای برای ورود کودک به جهان بزرگسال در نظر گرفته شده باشد. برخی بر این عقیده‌اند که کودکان از چنین فرصت‌های کاری با آغوش باز استقبال خواهند کرد زیرا چنین کاری را نوعی مناسک گذر به سمت بزرگسالی و همچنین عنصری مثبت در خود می‌دانند. از سوی دیگر برخی دیگر از محققان، کار کودک را عملی سخت و طاقت‌فرسا برای کودک تلقی می‌کنند که مانع از سرخوشی کودک و بهره‌مندی او از حقوق اجتماعی و رفاهی‌اش می‌شود. سیدمیرزایی عوامل تأثیرگذار بر ایجاد پدیده‌ی کار کودک را چنین بیان می‌کند:

«۱- نگرش مثبت جامعه به کار کودکان، ۲- بیکاری چشمگیر جمعیت فعال، ۳- ناتوانی اقتصادی لایه‌های تنگدست جامعه از فرستادن کودکان خود به مدرسه و آموزش دادن آنان، ۴- نارسایی قوانین کار یا درست اجرا نشدن آن، ۵- ناتوانی نظام سیاسی و دولت در برخورد جدی با این پدیده، ۶- نرخ بالای رشد جمعیت و ساختار بد اقتصادی، ۷- نبود نظام تامین اجتماعی.» (کلانتری و کیانی، ۱۳۸۵: ۲۹۰)

چنانکه برخی از نویسندگان حوزه‌ی کودک و نوجوان نیز با داشتن چنین نگاهی نسبت به کار کودک، برآنند تا ویژگی‌های منفی و تبعات اجتماعی، فرهنگی و ... کار کودکان را در آثار خود بازنمایی کنند.

۱-۱- هدف از انجام تحقیق

هدف از انجام این تحقیق آن است تا با تحلیل داستان‌هایی با موضوع کودکان کار و خیابانی میزان موفقیت نویسندگان در بازتاب واقعیت‌های این پدیده‌ی اجتماعی و بیان احساسات واقعی کودکان بررسی شود و عوامل مؤثر بر کار کودکان به روایت داستان‌های تألیفی بازگو شوند. علاوه بر آن الگوهای ارائه شده از کار کودکان همزمان با تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه نشان داده شود.

۱-۲- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

نویسندگان حوزه‌ی کودک و نوجوان توانایی آن را دارند تا با انتخاب آگاهانه‌ی موضوعات اجتماعی به عنوان محور داستان‌های تألیفی خود، زمینه‌ای را فراهم سازند تا مخاطبان آنها بهترین شیوه‌های تعامل و رفتار اجتماعی را بیاموزند. به عبارتی دیگر کودکان و نوجوانان با مطالعه‌ی آثار داستانی، این امکان را برای خود فراهم می‌سازند تا با تجربه‌ی دنیای موجود در داستان و همذات‌پنداری با شخصیت‌های داستانی افق دید خود را گسترش بخشند. بدین ترتیب توجه به مسائل اجتماعی و برانگیختن حساسیت کودکان و نوجوانان نسبت به این موارد می‌تواند نوید بخش آن باشد تا در جامعه‌ی پیش‌رو، پدیده‌های ناخوشایند و شوم اجتماعی حذف و یا کمرنگ‌تر شوند.

تحلیل داستان‌هایی با موضوعات اجتماعی و بررسی میزان موفقیت آنها در بیان و توصیف پدیده‌ها، آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی می‌تواند علاوه بر تعیین نقاط ضعف و قوت آثار، تلنگری برای نویسندگان در پی داشته باشد تا با توجه و دانش عمیق‌تر، اقدام به گنجاندن چنین موضوعاتی در میان تألیفات خود بنمایند و علاوه بر جلب حساسیت همگانی نسبت به حقوق کودکان، توجه مسئولان اجتماعی و دولتی و فعالان این حوزه را برانگیزند و راهکارهایی را برای رفع یا کاهش اثرات آن ارائه دهند.

۱-۳- سؤالات و فرضیات تحقیق

- ۱- الگوهای گوناگون کار کودک به چه کیفیتی در جهان داستان باز نمود شده‌اند؟
- ۲- در صورت تنوع الگوهای کار کودک در ادبیات داستانی مورد پژوهش آیا همخوانی میان این تنوع و شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه وجود دارد؟

۳- احساسات و تمایلات شخصیت‌های داستانی کودک نسبت به کار چیست و نویسندگان تا چه

اندازه در ارائه و بیان این احساسات موفق بوده‌اند؟

۴- به زعم این گونه آثار داستانی چه عوامل و انگیزه‌هایی بر کار کودکان موثر است؟

فرض ما بر آن است که الگوهای کار کودک بسته به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه تحولات و گوناگونی‌هایی را تجربه کرده است. با توجه به تحولات جامعه ایران این الگوهای کار در ابتدا نگاه مثبتی به کار کودک داشته‌اند و کار را نوعی مناسب گذار و تشریف کودک به بزرگسالی و کمال تلقی کرده‌اند ولی هرچه به زمان حال نزدیک‌تر می‌شویم، کار کودک به امری ناپسند و از مقوله‌ی استثمار و تعرض به حقوق کودک تعریف می‌شود به عبارت دیگر با گذر زمان و تغییر در نگرش جامعه و نخبگان فرهنگی و ادبی، از جمله نویسندگان حرکتی آگاهانه نسبت به بازنمایی کار کودکان به عنوان مقوله‌ای ناپسند و متعرض به دنیای کودکی در حال شکل‌گیری در میان داستان‌های کودک و نوجوان با مضمون کودکان کار و خیابانی باشد.

۴-۱- مروری بر پیشینه تحقیق

شورای کتاب کودک در سال ۱۳۸۳ فهرستی را با عنوان ادبیات و کودکان کار/ خیابان منتشر کرد که این فهرست دربرگیرنده‌ی خلاصه و پیرنگ چهل و چهار عنوان کتاب در حوزه‌های داستان- تألیف و داستان-ترجمه از سال‌های (۱۳۸۲-۱۳۷۷) است که شخصیت اصلی کودک و نوجوان آنها برای امرار معاش تلاش می‌کند. این پژوهش فاقد هرگونه تحلیل و نقد است و صرفاً خلاصه‌ای موجز از داستان‌ها را دربردارد. چنانکه در مقدمه‌ی این پژوهش عنوان شده است برخی از آثار نویسنده‌های خوب کشور که در دهه‌ی ۶۰-۵۰ چاپ شده‌اند نیز در این مجموعه آمده است.

همچنین گروه پژوهش کتابخانه‌ای شورا مذکور در سمینار " کودک، کار و آینده " که از سوی مؤسسه فرهنگی- اجتماعی کیانا و شهرداری کرج برگزار شد مقاله‌ای با عنوان نقش ادبیات کودکان و نوجوانان در زندگی کودکان کار و خیابان ارائه کرد. در این سال گروه شورای کتاب کودک پژوهشی با عنوان بررسی وضعیت خانواده کودکان کار و خیابان و ادبیات داستانی کودکان و نوجوانان از ۱۳۸۴-۱۳۷۴ ارائه داد و به بررسی ۳۱ داستان تألیف و ترجمه پرداخت. در این پژوهش سعی بر آن بوده تا با تمرکز بر وضعیت کلی خانواده کودکان کار و خیابان، زوایای گوناگون خانواده‌ی آنها مورد توجه قرار گیرد.

شخصیت‌پردازی کودکان کار در آثار هوشنگ مرادی کرمانی عنوان پایان‌نامه‌ی **الهام صفی جهانشاهی** در سال ۱۳۹۲ است. در این پایان‌نامه کوشش شده ضمن بحث درباره چگونگی پرداخت شخصیت‌ها، شیوه‌ها و ابزارهای شخصیت‌پردازی کودکان کار، آسیب‌ها، عوامل و هرآنچه که کودک را به عرصه کار می‌کشاند در آثار مرادی کرمانی بررسی شود.

مرضیه جدائی‌ان در سال ۱۳۹۰ پژوهشی را با عنوان **بازنمایی فرهنگ کار در کتاب‌های داستانی کودکان (۷-۱۲ سال)** سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ به انجام رسانده است که در حقیقت پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی است. در این پژوهش تلاش شده تا به مواردی نظیر چگونگی بازنمایی فرهنگ کار در کتب متوسطه، مجموعه ارزش‌ها و نگرش‌های بازنمایی شده بر وجوه مثبت فرهنگ کار، الگوهای فکری و رفتاری مرتبط با کار که در کتب درسی به دانش‌آموز منتقل می‌شوند، ابعاد منفی بازنمایی فرهنگ کار و کم و کیف قالبی که در آن فرهنگ کار بازنمایی شده است، پرداخته شود.

سبحانی نژاد و همایی در سال ۱۳۸۲ پژوهشی در قالب پایان‌نامه با عنوان **تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره راهنمایی در زمینه فرهنگ کار انجام دادند.** روش پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل محتوا است. جامعه آماری شامل کلیه کتاب‌های دوره راهنمایی در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ که در مجموع ۳۹ کتاب بوده است. مطالعه‌ای نیز از جوانمردی در سال ۱۳۸۸ به راهنمایی علی‌انتظاری صورت گرفته است. موضوع پایان‌نامه **بازنمایی فرهنگ کار در کتب دروس عمومی مقطع متوسطه سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷** است.

۱-۵- روش پژوهش و تکنیک‌های اجرایی

روش پژوهش در این مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است. در هر فصل با مطالعه‌ی آثار مرتبط با همان فصل، مطالبی را در زمینه‌ی دوران کودکی، کودکان کار و خیابانی و اشکال مختلف به کارگیری آنان، ادبیات کودکان و نوجوانان و داستان‌هایی با موضوع کودکان کار و خیابانی یافته و با استفاده از آنها پژوهش را در پنج فصل به سرانجام رسانده‌ایم.

در فصل نخست، با عنوان کلیات، مباحثی چون هدف، اهمیت و ضرورت، فرضیات و سؤالات، پیشینه‌ی تحقیق و روش پژوهش ارائه می‌شوند.

در فصل دوم با نام دوران کودکی و کار کودکان نخست با نگاهی به دوران کودکی در دوره‌های مختلف تاریخی علاوه بر اشاره به برخی از عوامل تأثیرگذار بر آن، بررسی مختصری نیز از الگوهای عام در باب چپستی کودک و نیز دوران کودکی به مثابه‌ی موضوع جامعه‌شناختی صورت گرفته است. در ادامه با تعریفی موجز از کار و ذکر برخی از ویژگی‌های کار در دوران سرمایه‌داری، به تعریف کار کودک و چگونگی شدت یافتن آن و استثمار کودکان همراه با صنعتی شدن جوامع پرداخته‌ایم. همچنین علاوه بر توجه به کار کودک در جوامع پیشاسرمایه‌داری و دهقانی و نیز کار خانگی کودک تلاش شده تا اشاراتی مختصر به قوانین تصویب شده در راستای حفظ حقوق کودک کار صورت بگیرد.

فصل سوم دربردارنده‌ی پیش‌درآمدی کوتاه بر ادبیات کودک و نوجوان، معرفی گونه‌ی واقع‌گرا و تاریخیچه آن، چگونگی پیدایش در ادبیات کودک و نوجوان اروپا و ایران و کارکرد آن است.

در فصل چهارم از آنجا که منبع مدون و کاملی برای ارائه‌ی تمامی آثار انتشار یافته در حوزه‌ی کودک و نوجوان وجود ندارد، برای انتخاب آثاری با موضوع کودکان کار و خیابانی در گونه‌ی واقع‌گرا از کتاب‌شناسی سه جلدی منتشر شده توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بهره برده‌ایم. این کتاب‌شناسی محدوده‌ی تاریخی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۵۷ را در برمی‌گیرد. همچنین برای گزینش آثار در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۷ از فهرست ارائه شده توسط شورای کتاب کودک، با عنوان ادبیات و کودکان کار/خیابان که دربرگیرنده‌ی ۴۴ عنوان کتاب در حوزه‌ی داستان-تألیف و داستان-ترجمه است استفاده کرده‌ایم. بدیهی است که از میان این مجموعه تنها آثار داستان-تألیف مرتبط با پژوهش ما بوده‌اند که تعداد آنها چنانکه در پژوهش این شورا نیز ذکر شده بسیار کمتر از آثار داستان-ترجمه هستند. همچنین از پژوهش کتابخانه‌ای دیگری از همین شورا که دربردارنده آثار داستانی محدوده‌ی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۴ بهره برده‌ایم. چنانکه در این پژوهش عنوان شده، از میان ۱۶۱۹ عنوان داستان بررسی شده توسط این شورا تنها ۳۱ داستان تألیف و ترجمه به موضوع کودک کار و خیابان پرداخته‌اند. آثار سال‌های ۹۰-۸۴ با تحقیقات نگارنده و با کمک اساتید و محققان این حوزه انتخاب شده‌اند. باید توجه داشت که با محدود کردن پژوهش به گونه‌ی داستان‌های واقع‌گرا، آثار نامرتب - مثلاً با بستر کاملاً فانتزی-، از محدوده‌ی پژوهش ما کنار گذاشته شده‌اند. بعلاوه تلاش شده تا با رعایت توازن در میان آثار گنجانده شده در دهه‌های متفاوت، بستری برای بررسی داستان‌های متفاوت، جهت رسیدن به الگوها و نگاه‌های گوناگون به این پدیده از جانب نویسندگان فراهم شود.

پس از گزینش داستان‌هایی با موضوع کودکان کار و خیابانی، تلاش شده تا از میان این آثار مصادیقی را برای پرسش‌ها و عناوین کلی طرح شده در ابتدای فصل چهارم بیان نماییم. پرسش‌های طرح شده

در فصل چهارم، پس از مطالعات اجتماعی مرتبط با پدیده‌ی کودک کار و خیابانی و مطالعه‌ی آثار داستانی به دست آمد. با انتخاب این روش سعی در جلوگیری از تکرار مکررات داشته‌ایم. بعنوان مثال عنوان کلی فقر که در اکثر داستان‌ها وجود داشته، با طرح آن در قالب یک موضوع کلی و آوردن مصادیقی از داستان‌های متفاوت در ذیل آن، از اشاره به موارد مشابه خودداری شده است. در پایان فصل فهرست آثار بررسی شده با تفکیک هر دهه درجداول متفاوت آورده شده است.

فصل پنجم به نتیجه‌گیری تحلیل‌های انجام شده اختصاص دارد.

فصل دوم

دنیای کودکی و کار کودکان

۲-۱- دنیای کودکی

در جامعه‌ی علمی معاصر، کودکی موضوعیت علمی یافته و به عنوان مقوله و پدیداری اجتماعی شناخته می‌شود. در قرن اخیر دوران کودکی به مثابه‌ی برساخته‌ای اجتماعی معرفی می‌شود که کیفیت و کمیت آن در جوامع مختلف متفاوت است. به عبارت دیگر، کودکی همواره به واسطه‌ی استیلای اجتماع، اقتصاد، سیاست، فرهنگ، تکنولوژی و دیگر عوامل شکل گرفته است.

هر تعریفی که از کودکی می‌شود تا حدود زیادی بازتاب تمدن و پیشرفت جامعه‌ی مبدع آن است. تجربیات مردم در جوامع مختلف نسبت به کودکی، شاکله‌ی تصور و برخوردشان با این دوران است. از این رو کودکی مفهوم متغیری است که تابع مؤلفه‌های گوناگون جامعه قرار می‌گیرد. کیفیت و کمیت دوران کودکی بسته به عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملل در نوسان است و زیرساخت‌های ذکر شده‌ی موجود در جوامع، در چگونگی برساختن و بروز دوران کودکی تأثیر می‌گذارند. توجه به تفاوت در مفهوم غالب کودکی در یک جامعه سنتی در قیاس با یک جامعه‌ی مدرن به خوبی می‌تواند تأثیر این زیرساخت‌ها در شکل‌گیری مفهوم غالب دوران کودکی در یک جامعه را نشان دهد.

دوران کودکی از ابتدا به عنوان دوره‌ای مستقل در بینش جمعی وجود نداشته است و الگوهای مراقبت از کودکان به تدریج با پیشرفت جوامع در زمینه‌های علمی، آموزشی و نظام‌های اقتصادی ترویج یافتند. بدین ترتیب دوران کودکی توانست در سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی به موازات این تغییرات جایی بیابد.

بررسی‌ها حاکی از آن است که در دوره‌ی باستان هستی کودکان پس از تولد به دلیل میزان بالای مرگ و میر جدی گرفته نمی‌شد و در صورت مرگ یک کودک، کودک دیگری جایگزین او می‌شد. دوره‌ی کودکی مقدمه‌ای بوده که می‌بایست هرچه زودتر برای رسیدن به بزرگسالی سپری می‌شد. بدین ترتیب دوران کودکی دوران انتقالی پنداشته می‌شد که معنایی نداشت و کودک می‌بایست هرچه سریع‌تر آن را پشت سر بگذارد و به شکل مرد و زن بالغ و مطلوب جامعه‌ی خود درآید. از این‌رو فرزندان آدمی بعد از دوره‌ی خردسالی وارد دنیای بزرگسالی می‌شد و دوره‌ی کودکی معنایی نداشت. در صورتی که کودک آدمی شانس زنده ماندن پیدا می‌کرد پسران می‌بایست هرچه زودتر آیین مرد شدن را برای در پیش گرفتن حرفه‌ی پدر فرا می‌گرفتند و دختران هرچه سریع‌تر آماده ازدواج می‌شدند.

در جامعه‌ی قرون وسطی نیز وضع به همین منوال بود. آریز اشاره می‌کند که «در قرون وسطی هیچ تصویری از مفهوم دوران کودکی وجود نداشت؛ منظور این نیست که بگوییم کودکان فراموش شده بودند، کنار گذاشته شده یا بی‌ارزش شمرده می‌شدند؛ مفهوم دوران کودکی نباید با احساس عاطفی درباره‌ی کودکان اشتباه گرفته شود این مفهوم در ارتباط با یک نوع آگاهی در خصوص ماهیت دوران

کودکی است؛ ماهیت خاصی که بیانگر تمایز کودک از بزرگسال و حتی فرد نوبالغ است. در قرون وسطی این آگاهی وجود نداشت.» (به نقل از جیمز و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۴) از طرفی دیگر باید در نظر داشت که جنبه‌هایی از زندگی کودکان دستخوش تغییرات زمانی و مکانی نمی‌شوند از جمله این که همه‌ی جوامع شیوه‌ای برای تمایز دوران کودکی از دوران بزرگسالی دارند.

آریز^۱ در پژوهش‌های نسبتاً ناقص خود با بررسی پرتره‌های خانوادگی عنوان می‌کند که هنر قرون وسطایی تا حدود قرن دوازدهم دوران کودکی را تشخیص نمی‌داد و یا نیازی به تمایز آن نمی‌دید. کودکان به شکل مینیاتوری از مردان و زنان نمایش داده می‌شدند و مشخصه‌های دوره‌ی زندگی آن‌ها شناخته نشده بود. کودکی دورانی بود که به سرعت سپری می‌شد و حتی می‌توان گفت به سرعت فراموش می‌شد. آریز از استناد به مدارک ثبت شده و مدارک اسناد عمومی بهره برد تا نشان دهد مفهوم دوران کودکی به تازگی به فرهنگ و اجتماع معرفی شده است. او اظهار می‌دارد که کودکان در گذشته پس از هفت سالگی بزرگسال تلقی می‌شدند، لباس آن‌ها شبیه بزرگسالان می‌شد، گذران زندگی مشابهی را تجربه می‌کردند و از آن‌ها انتظار می‌رفت که مثل بزرگ‌ترها کار کنند. این روند تا حدود قرن هفدهم ادامه داشت. آریز اظهار می‌دارد که حسی جدید در قرن ۱۷م به وجود آمد که نمود آن را می‌توان در انتخاب اسم کودکان مشاهده کرد. پس از آن نوع نمایش کودکان در نقاشی‌ها را می‌توان تفسیر کرد. کودکان از آن قرن به نوعی در هر تصویری مرکزی را به خود اختصاص می‌دادند. در این دوره کودکان به عنوان منبع جدیدی برای لذت و توسعه‌ی تصورات اجتماع تلقی شدند. از منظری خاص آنها تبدیل به بازیچه‌های بزرگسالان شدند. آریز توضیح می‌دهد که چگونه در قرون ۱۷ و ۱۸م مفاهیمی چون نوازش، مراقبت و حتی شهوت‌گرایی کودکان به تدریج در جامعه‌ی اروپایی رشد کردند. (مسنجر، ۲۰۱۰: ۲۱)

اما نیکلاس اوروم^۲ در کتاب خود با عنوان «کودکان قرون وسطایی»^۳، اظهارات فیلیپ آریز و منابع مورد استنادش را نقد می‌کند و آن‌ها را ناقص می‌داند. اوروم اظهار می‌دارد که یافته‌های فیلیپ تنها با پژوهش‌هایی در تصاویر آن دوران به دست آمده است و این در حالی است که در صورت بررسی دیگر مدارک به جا مانده از آن دوران، مثل لالایی‌ها، متون و اشعار، به لغات خاصی در این متون و اشعار بر می‌خوریم - لغاتی چون کودک، نوزاد، نوجوان، دوشیزه، نورسته، جوان خام، دختر بچه، پسر بچه، دخترکان دهقان - که همگی نشان از توجه به این دوران دارند. اوروم با تندروری نشان می‌دهد که کتاب‌هایی مانند کتاب آریز صرفاً به نقاشی‌های موجود استناد می‌کردند و در ادامه به شواهدی از دیگر اسناد مثل سنگ‌نوشته‌ها، اسناد کلیساها، اسناد دولتی، کتاب‌ها، بازی‌های کودکانه و اسباب‌بازی‌های کودکانه اشاره می‌کند. او همچنین از نوع گفتار کودکانه موجود در اشعار بهره می‌گیرد

1. Philippe Aries
2. Nicholas Orme
3. Medieval Children

تا اثبات کند این حس کودکانگی در آن دوران وجود داشته و تا به امروز ادامه دارد. (همان ۲۳) شایان ذکر است که اگرچه مطابق بر اظهارات آریز کودکان ترسیم شده در آثار نقاشی آن دوران، مینیاتوری از بزرگسالان هستند چنانکه در برخی از آثار ولاسکوئز در قرن هفدهم دیده می‌شود اما در همین قرن و حتی پیش از آن نیز تصاویری وجود دارد که حداقل کودکان اشراف را در لباس‌های ویژه‌ی کودکان نشان می‌دهد. بدین ترتیب شاید بتوان سطح طبقه‌ی اجتماعی و میزان اشرافی‌گری و رفاه خانواده را در سرعت بخشیدن به روند شکل‌گیری دوران کودکی مؤثر دانست و تغییرات اولیه در وضعیت نگاه به کودکان را در طبقات بالاتر جامعه جستجو کرد، چنان که با وقوع انقلاب صنعتی این تحول در نوع نگاه به کودکی به اوج خود رسید. (شاه آبادی، ۱۳۸۵: ۸۵)

«از نظر آریز دلیل تفاوت مفهوم کودکی در جوامع مختلف آن است که هر کدام از این جوامع بنا به سطوح متفاوت خود در حوزه‌های اقتصاد و فرهنگ و مسائل اجتماعی، در یک دوره‌ی خاص از تلقی اجتماعی نسبت به کودک به سر می‌برند و به معنی دیگر آنچه که در یک حرکت طولی تاریخی از تحول مفهوم کودکی دیده می‌شود در یک زمان ثابت در جوامع مختلف قابل مشاهده است.» (همان ۱۵)

اما آشکارترین تحول در تاریخ دوران کودکی را می‌توان در گذر جوامع از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی (و تقلید از الگوهای صنعتی چون آموزش عمومی) مشاهده کرد. استیرنس پایه و اساس دوران کودکی مدرن را در سه عامل و تحول بنیادین می‌داند که نخستین بار در غرب در قرن‌های هجدهم و نوزدهم آغاز شده‌اند؛ این سه عامل شامل تبدیل اشتغال کودکان از کار به تحصیل، تصمیم‌گیری خانواده در مورد محدودیت تعداد فرزندان، و در پی آن کاهش میزان مرگ و میر فرزندان است. کاهش نرخ زاد و ولد منجر به فکر حمایت از نگهداری و توجه بیشتر به کودکان شد. تلاش در جهت پیشگیری از بارداری، رعایت معیارهای بهداشتی، باور رو به رشد فردیت کودکان، تغییر در اندیشه‌های خانواده نسبت به کودکان و سعی در تدوین و اجرای قوانینی در حمایت از کودکان از پیامدهای این تحولات است. (استیرنس، ۱۳۸۸: ۱۰۵)

نیل پستمن^۴ اختراع صنعت چاپ را در پیدایش مفهوم دوران کودکی مؤثر می‌داند. اختراع صنعت چاپ و به دنبال آن گسترش سطح سواد عمومی زمینه ساز آن شد تا آگاهی و دانش از انحصار طبقه‌ای خاص خارج شود و به شکلی بسیار ارزان در اختیار عموم مردم قرار بگیرد. همگام با تحولات صنعتی در اروپا و تخصصی شدن کارها تلاش والدین برای آموزش فرزندان نیز افزایش یافت. در اختیار داشتن هریک از کارهای صنعتی نیاز به تخصصی خاص و گذراندن دوره‌ی تحصیلی ویژه داشت. بنابراین به تدریج دوره‌ی کودکی طولانی‌تر شد تا کودکان بتوانند دوره‌های تحصیلی و تخصصی لازم را بگذرانند و موقعیت اجتماعی و کاری مناسبی را کسب کنند. بدین ترتیب کودکان تنها

4. Neil Postman

موجوداتی شناخته می‌شوند که مشروط به گذراندن مناسب مرحله‌ی جامعه‌پذیری، آماده و مهیای ورود به زندگی آینده می‌شدند. نهادهایی نیز برای مشارکت در این فرآیند به وجود آمدند تا به کمک داده‌ها و دستاوردهای حوزه‌ی روانشناسی، تربیتی، آموزشی و علوم مرتبط جامعه‌پذیری کودک را تسریع و بهبود بخشند. «همین امر زمینه ساز آن گردید تا رفتار کودکان نیز همیشه در چارچوب هنجاری با عرف رایج ارزیابی شده و مورد داوری مستمر والدین و خویشاوندان قرار گیرد، تا چنانچه این رفتارها فاقد تناسب هنجاری لازم با عرف تربیتی تشخیص داده شوند، بتوان از منظر آسیب‌شناسانه کجروی یا نابهنجاری آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.» (نواح، ۱۳۸۸: ۱۰۴)

نیل پستمن اشاره‌ای نیز به محو دوران کودکی توسط صنعت چاپ دارد. پستمن در کتابی با همین عنوان - محو دوران کودکی - بیان می‌دارد که در دوره‌ی معاصر، دسترسی آسان و سریع کودکان به منابع خواندنی و الکترونیکی، «شرم» را که به باور وی یکی از ویژگی‌ها و اجزای دوران کودکی و حائل میان معصومیت کودکان و دانش بزرگسالان است از میان می‌برد. پستمن مدرنیته را خالق و در عین حال نابودگر دوران کودکی می‌داند.

از قرن هفدهم به بعد با گسترش علم روانشناسی، بالا رفتن سطح آگاهی و سواد و بسط آموزش مدرسه‌ای در اروپا توجه به دوران کودکی پررنگ‌تر شد و کودکی به عنوان یک موضوع مطالعاتی مورد توجه واقع شد. (استیرنس، ۱۳۸۸: ۲۱)

«در جهان متغیر قرن بیستم، کودک، فرد مهم خانواده، مدرسه و جامعه گردید به طوری که روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت، این قرن را «قرن کودک» نامگذاری کردند و «کودک‌سالاری» به شدت گسترش یافت... مردم‌شناسان اجتماعی و فرهنگی و پژوهشگران رشد و تکامل کودک، توجه بزرگسالان را به اهمیت دوران طفولیت در زندگی فرد و اجتماع جلب کردند.» (شعاری نژاد، ۱۳۶۴: ۳۵)

از آن پس هریک از روانشناسان، دوره‌ی کودکی را از منظر خاص خود مورد توجه قرار دادند و آن را ارج نهادند:

زیگموند فروید^۵ (۱۸۵۶-۱۹۳۹) بنیان‌گذار مکتب روان‌کاوی با اشاره به اینکه دوران کودکی پایه و اساس شکل‌گیری شخصیت در بزرگسالی است، این دوران را چنان مهم می‌داند که معتقد است بنیان‌های شخصیت آدمی تا پنج سالگی شکل می‌گیرد و چرخه روانی تا پنج سالگی مختومه می‌گردد. «فروید تحلیل شایسته و درست شخصیت بزرگسال را بدون راه‌یابی به دوره‌ی پیچیده‌ی کودکی میسر نمی‌داند. عقاید فروید، روندهای پرماجرایی را در تعلیم و تربیت برانگیخت... تأثیر فروید عموماً در نگرش عمومی معلم نسبت به کودکان دیده می‌شود. این نگرش، به ویژه هنگامی آشکار می‌شود که

معلم به جای تنبیه کردن رفتار ناخواسته‌ی کودک، سعی می‌کند تا دلایل هیجانی پنهان در پشت این رفتار را پیدا کند.» (کرین ۱۳۹۰: ۳۵۰)

پیاژه^۶ (۱۸۹۶-۱۹۸۰) نظریه‌ی رشد ذهنی خود را به چهار مرحله‌ی هوش حسی-حرکتی (از تولد تا ۲ سالگی)، تفکر پیش عملیاتی (۲ تا ۷ سالگی)، عملیات عینی (۷ تا ۱۱ سالگی) و عملیات صوری (۱۱ سالگی تا بزرگسالی) تقسیم کرد. پیاژه برای کودکان در هر یک از این مراحل ویژگی‌هایی را تبیین می‌کند. ویژگی‌هایی که بعدها به دلیل فرض بر جهان‌شمول بودن‌شان و در نظر نداشتن بسترهای متفاوت اجتماعی، فرهنگی و ... کودکان مورد انتقاد بسیاری از محققان قرار گرفت.

ژان ژاک روسو^۷ (۱۷۱۲-۱۷۷۸) در کتاب خود *امیل* سعی در پرورش امیل با عقاید تربیتی خاص خود داشت. عقایدی که خط بطلان بر اندیشه‌های کودک شرور و شیطانی می‌کشد و کودک را موجودی نیک سرشت می‌داند که ممکن است تحت تأثیر انحراف در برخی ساختارها و نهادهای اجتماعی بدنهاد شود. روسو با ایجاد تصور کودک معصوم، برای کودک این حق را قائل شد که تا زمان یافتن قدرت تشخیص و استدلال، آزاد زندگی کند.

ظهور روانشناسان و اندیشمندان متعدد دیگر، پیشرفتی را در تاریخ تعلیم و تربیت و به تبع آن توجه به دوران کودکی به وجود آورد. کودک محوری در تعلیم و تربیت که سرمنشأ آن اندیشه‌های روسو بود در میان مردم و متولیان آموزشی جای خود را پیدا کرد و کودک از حاشیه به متن و از متن به مرکز توجه آمد.

برخلاف الگوهای جامعه‌ی سنتی که در آن‌ها والدین ملزم به آماده کردن کودکان و نوجوانان برای زندگی اجتماعی بودند و فرزندان موفق بر اساس این الگوها، کودکانی فرمان‌بردار و مطیع هستند، در جامعه‌ی معاصر نقش رسوم و اقتدار کاهش پیدا کرده، افراد به طور فزاینده‌ای مسئول ایجاد سبک‌های زندگی خود هستند و کمک به شکل‌گیری و بیان دیدگاه‌ها و اتخاذ تصمیم‌های اصولی به شکلی مستقل در حال تبدیل شدن به یکی از وظایف خطیر والدین است.

در ایران روند تغییر نگرش نسبت به کودکان همچون سایر مناطق دیگر پدیده‌ای تدریجی بود. با توجه به اینکه در کشور ما دین به عنوان یک صدای غالب نقش به‌سزایی در دیدگاه مردم نسبت به کودک دارد، به اختصار محدوده‌ی کودکی را از منظر دین و قانون مدنی در کشورمان بررسی می‌کنیم:

اسدی در تحقیقات خود برای تعریف مفهوم کودکی، تقسیماتی از این مفهوم از منظر قرآن کریم ارائه کرده است: طفولیت یا صبايت، بلوغ، رشد، اشد، شیخوخیت و ارذل العمر. مرحله‌ی طفولیت که همراه با صبايت است در دو مرحله اتفاق می‌افتد: طفلی که در گهواره است نوزاد و آن گاه که روی

6. Zhan Piazhe

7. Jean-Jacqu Rosseau